

تذکره

سید سپهر جمعه زاده

بی بی

آن مادر شهید، آن عابد پروردگار وحید، آن زاده شهر گران، آن که پدرش بود وابسته به پادگان، آن برای تحصیلش به مشقت افتاده، آن که فرزندش را به راه حق داده، آن بانوی عالمه مکتبی، آن که بود از خانواده ای مذهبی، از آن دسته از مردم بود که اگر نبود، برکتش از سر پسر شهیدش کم می شد.

مذهبی بودن از ذاتیات پدر بود و او از عنوان دوران پر طمطراق کودکی به این مهم التزام عملی داشت که پدر را در این وادی الگوگیری نماید.

دختر این خانواده که قصد ماسلا سخن گفتن از اوست در هجدمین بهار زندگی اش، رفت خانه بخت. منتها خانه بختش اصفهان بود؛ لذا به حکم این که مقدمه واجب، واجب است، دست در ید همسر گذاشته و اصفهان را فراگرفتند. کمی که از ازدواج و اوایل عبور کرد، فرزند اول این خانواده چشمش به جمال دنیا باز آمد و اوایل انقلاب هم قرین احوال این خانواده افتاد.

پیش از انقلاب جو غالب باعث این می شد که پدرش اجازه تحصیل



به او ندهد اما حالا که پای انقلاب وسط آمده بود و بچه اول هم از آب و گل خارج شده بود، او به تحصیل تقرب و به این تقرب ترغیب شد. مرضیه مدرکش را گرفت اما همسرش اجازه کار به او نمی داد. بعد از مدتی تلاش بالاخره همسرش راضی شد و مرضیه در سال ۵۸ در اولین آزمون استخدامی آموزش و پرورش شرکت کرد و نفر دوم آزمون شد.

مهر ۵۹ در دبستانی در روستای گلند فخرآباد فرستاده شد تا تدریس کند. سپس به عنوان مدیر به دبستانی در روستای توشن رفت

و در روزهای جنگ در مسجد محل برای رزمندگان کمک جمع می کردند و می فرستادند. القصه هنوز سال ۶۱ تمام نشده بود که پسر سوم شان به جهان آمد ولی نه در اصفهان که در مشهد و در جوار حضرت علی ابن موسی المرتضی (ع).

بی بی مرضیه مدتی مدیر دبستان علوی گران بود و از سال ۶۴ مدیر مجتمع دخترانه طرح کاد شد. او در طی گذر زمان، احساس کرد که باید تحصیلاتش را بالاتر ببرد و در کار پیشرفت کند. پس در کنکور سال ۶۶ شرکت کرد و دانشجوی علوم پایه دانشگاه آزاد گران شد اما بعد از مدتی مجبور شدند به مشهد بروند. پس از دانشگاه انصراف داد و چون مجبور بود هم سر کار برود و هم از بچه ها نگهداری کند، سال ۷۰ کنکور پیام نور داد و در رشته علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی در فریمان قبول شد. اما رفت و آمد برایش سخت بود، پس درخواست انتقالی داد که پذیرفته نشد. دوباره کنکور داد و در رشته مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه پیام نور مشهد قبول شد. سال ۱۳۷۵ دانشگاه الزهرا تأسیس شد و مرضیه و همکارانش برای تهیه تجهیزات و گرفتن خوابگاه دانشگاه بسیار تلاش کردند.

مجتهه



آن بانوی عقیقه عالمه، آن کامله واصله صادقه، آن محب تحصیل، تمرین و تدریس، آن پاک مانده دامن از مکر، حیل و تدلیس، آن غریق اقیانوس علوم دینی، آن رسته از تعلقات زمینی، آن اولین زن که شد مجتهد در جهان اسلام، آن که داشت در خواندن، مطالعه و تحقیق ابرام، آن دارنده اجازه اجتهاد، آن در مسیر کمال به سوی عقل مستفاد، آن عارف به معارف، آن که بود باناسیونالیزم مخالف، آن صاحب کتبی چون اربعین الهاشمیه، جامع الشئات، معاد یا آخرین سیر بشر، نفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه، تفسیر مخزن العرفان، از آن دسته مردم بود که اگر نبود، جهان از وجود زنی عالم و دانشمند محروم می ماند.

غیردینی می پرداخت، بانوامین باسخترانی در جلسات مذهبی زنان و تأسیس «کانون تبلیغات و تعلیمات دینی» و نگارش کتاب روش خوشبختی به شبهه افکنی های دولت آبادی و همفکرانش پاسخ می داد. سرانجام با استقبال زنان متدین اصفهان از سخنرانی ها و مرکز تازه تأسیس امین و بالاگرفتن اعتراضات به عملکرد شرکت خواتین اصفهان، دولت آبادی مجبور به تعطیلی روزنامه زبان زنان و ترک اصفهان شد.

وی در مقابل ناسیونالیسم رضاشاه، خود را «بانوی ایرانی» لقب داد. از مهم ترین آثارش دوره ۱۵ جلدی تفسیر در کتاب الله است که به قطع می دانیم این عمل نزد خدایش ماجور، محبوب و مستور است و از آنچه نیک است، ثواب خواهد برد، عوض عمل صوابش. وی از ۴۰ سالگی تا پایان عمر به تألیف کتاب، تدریس و پاسخگویی به پرسش های دینی و تأسیس مؤسسات فرهنگی مشغول بود. تأسیس مدرسه علمیه ای به نام مکتب فاطمه (س) که با بیش از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد، در سال ۱۳۴۶ آغاز به کار کرد، از دیگر کارهای فرهنگی امین است که در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی جامعه آن زمان، صورت گرفت و زمینه تحصیل زنان علاقه مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم ساخت. تأسیس چند دبیرستان دخترانه و تربیت شاگردان، بخشی از فعالیت های وی محسوب می شود. دو زن به نام های همایونی و غازی از شاگردان برجسته وی، پس از مرگ وی به اداره امور این مدرسه پرداختند.

«دختر محروم حاج سید محمدعلی امین التجار اصفهانی که بانویی بزرگوار، شریف، اصیل، عالم و فرزانه، برگزیده زنان زمان و مایه شگفتی دوراننش است، از کسانی است که مدت مدیدی از عمرش و زمان درازی از زندگی اش را صرف تحصیل علم نموده است.» این جملات ارزشمند عالمی از عالمان تشیع است در وصف بانویی که قصد بیان حالات و صفات و زندگی اش را داریم. نوشته که در جوانی وقتی که هشت فرزند خود الی یکی را از دست داد در اثر بیماری، توجه به تحصیل از سوی او متوقف نگردید و مجالس درس، بحث، تعامل و مباحثه را تعطیل ننمود. خودش در گفته ها و نکته هایی که از او به جا مانده عنوان می دارد که این مرگ فرزندان پشت سر هم، امتحانی بود که باری تعالی این بانو را در آن افکنده بوده و باید کلاه از سر تاریخ بیفتد که او با تمام این حسرت ها و تشویش ها، تحصیل را رها نکرد و در میانسالگی به درجه اجتهاد رسید. اجتهاد را علما وقتی به کسی اعطا می کنند که توانمندی اش محرز و استنباطش ممتاز و فهمش عالی شده باشد نسبت به دین خدا، روایت پیغمبر (ص) و فقه اصغر و اکبرش. باید نیک دانست که او را تاریخ تولد سنه ۱۲۶۵ خورشیدی نوشته اند و لذا با بسیاری از رخداد های معاصر قرین بوده. یکی شان مشروطه و یکی شان تلاش های جو غالب حاکمیت برای تضعیف دین و اولیای دین و نیز متدینین. هست در تاریخ میهن ماکه زمانی که فردی موسوم به دولت آبادی با ایجاد «شرکت خواتین اصفهان»، به همراه جمعی از زنان همفکر خود به تبلیغ تفکر

کارت خودرو سواری پژو ۲۰۷ هاج یک مدل ۱۳۹۸ به رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک ۱۵۵۴۳۷ ایران ۱۱ به شماره موتور 177B0040103 و شماره شاسی NAAR13FE0KJ264446 به نام امین ملاحسینی با کد ملی ۲۹۹۲۲۷۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز وسیله نقلیه سواری پراید تیپ صبا (جی. تی ایکس) سال ساخت ۱۳۸۲ به رنگ قرمز صدفی - متالیک به شماره موتور 00464280 و شماره شاسی S1412282923438 پلاک انتظامی ۶۵۵ س ۲۴ - ایران ۹۹ به نام فرهاد رضائیان با کد ملی ۰۰۱۴۴۱۴۲۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ الحاقیه قرارداد شماره ۲۰۲۲ مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۲ به شماره ۴۸۸۹-۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۷/۲۷ مربوط به پارکینگ شماره ۹ واقع در پارکینگ طبقاتی پروژه کوثر شرکت آتی ساز متعلق به اینجانب محمود باقرخان فرزند احمد به شماره ملی ۰۰۴۶۳۲۷۴۶۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت و برگ سبز خودرو پژو پارس به رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۶۶ ق ۹۴۹ به شماره موتور 125k0195261 و شماره شاسی NAANA15E0Pk269751 به نام مهدیه بامری شاد با کد ملی ۵۳۶۹۹۳۷۸۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند رک فارغ التحصیلی اینجانب هادی صادقیان فرزند احمد به شماره شناسنامه ۵۶۷ و شماره ملی ۴۴۲۲۴۰۲۸۹۶ صادره از یزد در مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی با شماره (۱۰۱)۸۶۹۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

سند و فاکتور فروش ام. وی. ام X33S مدل ۹۸ به شماره موتور MVM484FBDK027449 شماره شاسی NATGBAYL9K1027697 شماره انتظامی ایران ۳۵ - ۳۲۲ به نام شهریار عنصری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم
۰۵۰۰۰۹۱۰۵
daneshpayam.agahi@gmail.com